



## عارف

کلیدواژه: عارف، سالک.  
پرسش: عارف و سالک کیست؟  
پاسخ:

### فهرست مندرجات

- ۱ - معنای لغوی
- ۲ - معنای اصطلاحی عارف
- ۳ - معنای اصطلاحی سالک
- ۴ - خلاصه
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

### معنای لغوی

«عارف» در لغت به معنای فرد دارای شناخت، [۱] و سالک به معنای پیماینده راه و مسیر است. [۲]

### معنای اصطلاحی عارف

**عبدالرزاق گیلانی** در شرح مصباح می‌گوید: «عارف» به اصطلاح حکما کسی است که، نفس خود را به حسب قوت نظریه، و علم به حقایق اشیاء، کامل کرده و به قدر مقدور بهم رسانیده باشد، و از صفات **ردبلیه** و اعتقادات خبیثه، تهی و به اعتقادات حقه و کمالات ستوده، آراسته باشد. [۳]

به بیان دیگر، «عارف» کسی است که با وجود کمال قوت نظریه و علم به حقایق اشیاء و کمال قوت عملیه، جمیع حواس، قوا، اعضا و جوارح او، متوجه حضرت حق باشد، غیر او نبیند، غیر او نگوید و غیر او نشنود، و فنا فی الله، از لوازم این مرتبه، بلکه عین این مرتبه است. و کلام حضرت باری تعالی به این مرتبه حمل می‌شود که فرمود: «وَمَا تَقْرَبُ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يُنطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْتَطِشُ بِهَا إِنْ كَفَانِي أَحِبُّهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْمَلُهُ»؛ [۴] و هیچ بنده به چیزی به من تقرب نجوید که نزد من محبوب‌تر از آنچه بر او واجب کرده‌ام باشد، و همانا او به وسیله **مستحبات** به من نزدیک شود تا آنجا که من او را دوست بدارم، و هنگامی که او را دوست بدارم گوش او شوم، همان گوش‌های که با آن می‌شنود و چشم او گردم همان چشمی که با آن می‌بیند، و زبانش شوم همان زبانی که با آن سخن می‌گوید، و دست او گردم، همان دست‌های که با آن بگیرد، اگر مرا بخواند اجابتش کنم، و اگر از من خواهشی کند به او بدهم.

### معنای اصطلاحی سالک

«سالک» (واقع‌ی) کسی است که راه خدا را تنها از آثار معصومان و امامان **اهل بیت** (علیهم السلام) دنبال می‌کند؛ **سعادت**، رستگاری و پیروزی را در اقتدای به آنها دانسته، از هدایت آنها بهره برده و در پرتو انوار آنها حرکت می‌کند. اگر جز در طریق آنها قدم بردارد، رشد و صلاح خود را از دست می‌دهد، **هوا**ی **نفسانی** بر او چیره می‌شود، و او را به دنبال خود می‌کشد، شیطان بر او استیلا می‌یابد، انواع سختی‌ها و بدبختی‌ها به او رو می‌آورد، و سرانجام او را در وادی تیره‌بختی و نابودی سرنگون می‌کند و دچار بدنامی و تنگ می‌سازد. [۵]

در حقیقت معرفت نزدبانی است که سالک برای رسیدن به **قرب الهی** از آن بهره می‌برد؛ بنابر این سالک باید راه و روش معرفت را و درجات آنرا بداند؛ چراکه اگر نداند، نمی‌تواند از حوض به اوج، و از اسفل ساقبلین به اعلی علیین ترقی کند.

پس سالک عارف... آنهایی هستند که از **خاندان پیامبر** (صلی الله علیه و آله) پیروی و به آثار آنها اقتدا کنند، و در پی آنها گام بردارند دعوت آنان را اجابت کنند و سیره و روش آنها را سرمشق خود قرار دهند. [۶]

### خلاصه

به سخن ساده، در عرف دین‌داران، عارف فردی است که به شناخت مناسبی نسبت به پروردگار رسیده، و سالک فردی است که در مسیر رضایت پروردگار و نزدیکی به او گام بر می‌دارد.

### پانویس

۱. ↑ ابن منظور، مجد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۶، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق. ، «و العارف بمعنی مثل عليم و عالم».
۲. ↑ ر. ک: ابن منظور، مجد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۴۲، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۳. ↑ امام صادق، مصباح الشریعة، ترجمه گیلانی، عبد الرزاق، ص ۱۱، پیام حق، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۴. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الاصول من ال کافی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، مجد، ج ۲، ص ۲۵۲، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۵. ↑ ر. ک: فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البيضاء (راه روشن)، ترجمه، عارف، سید مجد صادق، ج ۱، ص ۲۱، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۶. ↑ ر. ک: فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البيضاء (راه روشن)، ترجمه، عارف، سید مجد صادق، ج ۱، ص ۲۱، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

